



کلمه بی نظیر

به قلم

بهر روز صادق خانجانی

کلیسای ایران

هدیه‌ای بی‌نظیر

نوشته:

پهروز صادق خانجانی

با تو هستم! بلی با تویی که الآن این کتابچه را در دست داری. سعی کن تا صادقانه و به دور از هر تعصب و پیشداوری این کتابچه را بخوانی تا در پایان، این هدیه بی نظیر را بیابی. هدیه ای که خدای بزرگ برایت در نظر گرفته است:

آیا می دانی؟

- ۱- آیا میدانی که خدا نقشه ای برایت طرح کرده است؟
- ۲- آیا میدانی که خدا برای نجات تو، سنگین ترین بهای ممکن را پرداخته است؟
- ۳- آیا میدانی که فقط یک راه برای نجات وجود دارد؟
- ۴- آیا می دانی که دنیا، آخرین لحظات عمر خود را سپری می کند؟
و بالاخره این که:
- ۵- آیا میدانی بزرگ ترین مشکل انسان چیست و راه حل آن کدام است؟

سر آغاز مشکلی بزرگ

کتاب مقدس به ما می گوید هنگامی که خدا آسمان و زمین را آفرید، همه چیز نیکو و عالی بود. در آن زمان هیچ بدی و شرارتی وجود نداشت. نه گناهی، نه دردی، نه اضطرابی و نه قرار هم بر این نبود که مرگ به حیات انسان پای گذارد. خداوند با این هدف که انسان در میان همه مخلوقات، نقش فرزندش را ایفا کند، او را آفرید زیرا خود در کلامش می گوید که خداوند از روح خود در انسان دمید تا بدین وسیله انسان بتواند با خدایی که به گفته کتاب مقدس، روح است ارتباط و مشارکت داشته باشد.

انسان به معنی واقعی کلمه در مسیر خوشبختی قرار داشت. خدا برای ادامه این مشارکت تنها یک شرط گذاشته بود و آن چیزی جز دوری از درخت ممنوعه و استفاده نمودن از میوه آن

نبود. اما چه می توان کرد که انسان نتوانست متحمل این تنها شرط بشود و به دام شیطان افتاد. او نه تنها به درخت ممنوعه نزدیک شد بلکه از میوه آن نیز خورد. اینجا بود که تراژدی بزرگ بشریت که همانا مرگ و دوری از خدا است رخ داد.

شاید بگویید مگر خدا نمی دانست که انسان گناه می کند، پس چرا او را خلق کرد و اجازه انجام این خطا را به وی داد؟ چنانکه پیشتر نیز گفتیم خداوند انسان را آفرید تا با او مشارکتی عمیق داشته باشد. خدا، ربات نمی خواست. او به دنبال یک تعامل دو جانبه و آزادانه با انسان بود نه این که انسان را به اجبار وارد این ارتباط نماید و برای همین نیز اجازه داد تا انسان در مقابل یک انتخاب قرار گیرد هر چند که خدا از پیامدهای این اختیار انسان برای انتخاب، آگاه بود.

انسان با انتخاب اشتباه خود از مسیر خوشبختی خارج شد و قدم در جاده سختی ها نهاد و بدتر از آن این که با خوردن میوه ممنوعه، گناه هم چون ویروسی به حیات انسان راه یافت. همه می دانیم که اگر پدر و مادری ندانند که مبتلا به ویروس ایدز هستند، فرزندان آنها نیز از این بیماری در امان نخواهند بود. شیطان می دانست که آدم و حوا ریشه بشریت اند و به همین دلیل در صورت آلودگی این دو نفر به گناه، خود به خود تمامی فرزندان شان نیز وارث آن خواهند گردید.

انسان از بهشت، آن جایگاه رفیع خود سقوط نمود و حتی خدا اجازه نداد تا فرزندان آدم و حوا به بهشت باز گردند. زیرا آنها گناه را از پدر و مادر خود به ارث برده بودند. بدین ترتیب پل ارتباطی میان خدا و انسان شکست. اما خدا که انسان را برای هدفی بزرگ خلق کرده بود، بیکار ننشست و وعده ای عالی و بزرگ به انسان داد. وعده خدا را در کتاب مقدس چنین می خوانیم: «از نسل زن، نجات دهنده ای بر خواهد خواست که سر شیطان را کوبیده و انسان را از دردی که به آن دچار گردید، نجات خواهد داد.»

«راه نجات» چیست؟

پس از آن فاجعه بزرگ، خداوند پیامبرانی را فرستاد تا از طریق آنها با مردم صحبت کرده و دستوراتش را به وسیله آن پیامبران به گوش مردم برساند، دستوراتی که تنها باعث جلوگیری از فعال شدن آن ویروس می‌گردیدند. اگر چه این پیامبران با قدرت الهی معجزات بسیار بزرگی را انجام می‌دادند و پیغام خدا را به گوش مردم می‌رساندند اما هیچ کدام از آنها نمی‌توانستند درمانگر درد کهنه بشریت باشند. زیرا منشأ تمامی آنها هم چون سایر مردم از ریشه آلوده به گناه آدم و حوا بود. تنها تفاوت این انبیا با سایر مردم این بود که آنها از سوی خدا دعوت می‌شدند و روح خدا مستقیماً در زندگی‌شان عمل می‌کرد. با این حال هیچ یک نتوانستند نجات دهنده باشند بلکه راه را برای ظهور آن یگانه منجی بزرگ مهیا می‌نمودند.

انسان با خطای خود روح خدا را از دست داد و بدین ترتیب خلاء بزرگی در زندگی‌اش ایجاد شد. بسیاری معتقدند که با بهره‌گیری از امکانات دنیا نظیر موسیقی و یا حتی مذهب می‌توان این جای خالی را پر نمود. در حالی که تنها خدا قادر به پر کردن این خلاء می‌باشد و تا او این کار را انجام ندهد انسان با تمام تلاش‌های علمی و عملی خود در راه کسب رفاه بیشتر باز هم تشنه و نیازمند باقی می‌ماند. مثلاً وقتی خانه‌ای می‌خرد به فکر خرید یک اتومبیل می‌افتد، اما با خرید اتومبیل نیز سیراب نمی‌شود و در تمنای امکانات دیگر هم چنان تشنه و سردرگم می‌ماند.

نهایت امر این است که هم ثروتمند و هم فقیر در پایان کار خواهند دید که چیزی از دنیا نفهمیده‌اند. شاید شخص ثروتمند به این بیندیشد که همسر خوبی نداشته است و شخص فقیر نیز به این فکر کند که بدون پول، خوشبخت نبوده است. اما هیچ‌یک متوجه نیستند که این عدم اقتناع، ناشی از پر نشدن یک خلاء روحانی است. عنصر مذهب نیز تنها مانند یک آرامبخش عمل می‌کند. پس این فضای خالی چگونه باید پر شود؟

در میان تمام انسان‌هایی که تا به امروز به دنیا آمده‌اند، تنها و تنها یک تن را می‌بینیم که از آن مشکل بنیادین بشریت یعنی گناه، ارثی نبرده است. آن شخص، کسی نیست جز عیسی مسیح. او بدون دخالت هیچ مردی و تنها از طریق یک باکره به دنیا آمد و بدین ترتیب آن پیش‌گویی که هزاران سال پیش و در زمان خطای انسان انجام شده بود، به وقوع پیوست. هفتصد سال پیش از تولد مسیح، این رویداد عجیب در کتاب مقدس پیشگویی شده بود که **نجات دهندهٔ عالم از یک باکره متولد خواهد گردید**. به راستی چه لزومی داشت که مسیح از یک باکره متولد شود؟

می‌دانیم که اگر مسیح از طریق پدر و مادری طبیعی، هم چون سایر مردم به دنیا می‌آمد، او نیز وارث و ویروس گناه می‌گردید ولی خداوند چنین مقدر فرمود که او تنها به واسطهٔ یک باکره به دنیا بیاید و بدین ترتیب تنها کسی باشد که از گناه بنیادین بشریت مصون مانده است. کتاب مقدس، که کلام خدا است می‌گوید، «زمانی که جبرائیل خبر تولد مسیح را به مریم داد، او متعجب شد و گفت، چطور چنین چیزی ممکن است، زیرا که من با هیچ مردی رابطه نداشته‌ام؟!»

جبرائیل نیز در پاسخ به سؤال مریم گفت که این مولود از «**روح القدس**» است. آری دخالت روح قدوس خدا در این تولد مانع از به ارث بردن گناه توسط مسیح شد. البته شاید از خود بپرسید پس در این میان، نقش مریم چه بود؟ همان‌طور که خدا از خاک استفاده نمود تا آدم را بیافریند، هم چنین برای به دنیا آمدن مسیح از مریم استفاده کرد. گناه با ناطاعتی یک زن، یعنی «**حوا**» به وجود آمد در حالی که **مریم** با اطاعت خود وسیله‌ای شد تا نجات دهنده وارد دنیا شود. خواست خدا این بود که گناه را از همان راهی که وارد بشریت شده، خارج نماید.

مسیح نیامد تا مذهبی جدید بیاورد بلکه او برای بازسازی پلی که با خطای بشر فرو ریخته بود، ظاهر شد و از همین روست که به گونه‌ای متفاوت با دیگران به دنیا آمد. هیچ مذهبی نمی‌تواند هدیهٔ نجات را به انسان ببخشد زیرا نجات در یک مذهب نیست، بلکه در یک شخص است.

از میان میلیاردها انسانی که به دنیا آمده‌اند، خدا به طور مستقیم تنها در تولد دو تن دخالت نمود که نخستین شخص، آدم است و دومی مسیح. به همین خاطر یکی از القاب عیسی، «آدم ثانی» است.

وقتی خدا دید که ریشه انسان‌ها به گناه آلوده شده است، لازم دانست که ریشه‌ای سالم برای درخت بشریت تدارک ببیند و آن ریشه کسی نبود جز عیسی مسیح.

برخی گمان می‌کنند که تولد دگرگونه مسیح، تنها یک معجزه است در حالی که ما به خوبی می‌دانیم که خدا برای انجام هر عملی هدفی دارد و مقصود خدا از انجام این اعجاز، یک نمایش قدرت نبود. زیرا خدا پیش از آن هم بارها و بارها قدرت عظیم خود را به جهانیان نشان داده بود. تفاوت کار خدا با شیطان در همین است. شیطان قصد دارد تا با کارهای عجیب خود مردم را بفریبد، اما خدا در پی نجات انسانها است. او دریا را شکافت تا قوم خود را عبور دهد. بیماران را شفا می‌دهد زیرا که دردی در وجود خود دارند و ... در تولد عجیب عیسی مسیح نیز، «پیغام نجات» نهفته است.

کتاب مقدس می‌گوید، همه گناه کرده و از جلال خدا قاصرند و جملگی انسان‌ها به بخشش خدا نیاز دارند. اگر چه عنصر گناه در برخی از افراد بسیار فعال و در برخی دیگر فعالیت کمتری دارد اما به هر حال هر دو گروه به نجات خدا نیاز دارند. یک پزشک خوب در مورد بیمارانی که بیماری مشترکی دارند، نخست به از بین بردن ریشه آن بیماری می‌اندیشد نه به این که کدام بیمار به چه دلیلی بیمار شده است تا برحسب مقدار و علت بیماری آنها را درمان نماید. البته ممکن است که بیماران را الویت بندی کند اما تفکر اول او از بین بردن عامل بیماری در همه بیماران است.

مسیح نیز می‌گوید، «من طبیب هستم». طبیبی که می‌خواهد بیماری مشترک تمام انسان‌ها را ریشه کن نماید.

در کتاب مقدس آمده است که خدا پیش از خطای انسان به او اخطار داده بود که مزد گناه مرگ است و با ارتکاب آن گناه، مرگ بر زندگی انسان‌ها حاکم خواهد شد.

معنای کتاب مقدسی مرگ، **جدایی از خدا** می باشد. وقتی که انسان گناه کرد، روند رشد ابدی او جای خود را به روند فساد داد و بدین ترتیب بشر وارد دایره‌ای بسته شد. برای روشن شدن مسأله مرگ مثالی بیان می کنیم.

یک ماهی را در نظر بگیرید که به بیرون از آب افتاده باشد. اگر چه ممکن است مدت زمانی اندک زنده باشد اما همان مدت اندک را نیز با سختی زندگی خواهد کرد. در حالی که اگر در آب می بود چنین وضعیتی نداشت. انسان نیز وقتی از حضور خدا بیرون رانده شد، در واقع از آب بیرون افتاد و اگر چه مدتی بر روی زمین زندگی می کند اما این زندگی با سختی‌ها و مشقات بسیاری همراه است. گناه، مانند زلزله‌ای هر روزه زندگی انسان‌ها را می لرزاند و به همین جهت مسیح آمد تا با متوقف نمودن این زلزله، آرامش را از نو در زندگی و وجود انسان حاکم نماید.

یک اشتباه توسط آدم و حوا موجب سقوط بشریت شد و متقابلاً یک عمل شایسته نیز می تواند ما را به جایگاه اصلی خود در حضور خدا باز گرداند. هر یک از ما باید یک به یک جریمه گناهان خود را می پرداختیم. حال آن که خدای تعالی از روی محبت خویش چنین اندیشید که تنها یک نفر و آن هم به جای همه، این بها را پردازد تا راهی برای نجات سایرین ایجاد گردد. طبق پیش گویی کتاب مقدس، «**مسیح**» می بایست برای گناهان ما بر روی صلیب می رفت و چنین نیز شد.

او خون خود و حیاتش را داد تا ما صاحب حیات جاوید گردیم. مسیح مصلوب، واکنشی نسبت به خطای آدم و مرحمی برای درمان انسان بیمار بود. از طریق صلیب مسیح، عدالت کامل خدا برقرار شد. ما گناه کرده بودیم و باید تاوان آن را می پرداختیم اما چون چیزی برای پرداختن بهای گناهان مان به خدا نداشتیم، خود خدا به میدان فداکاری پای نهاد. او خدایی است که گناه را بی سزا نمی گذارد و ما نیز چیزی نداشتیم تا به عنوان کفاره گناهان خود پردازیم.

ما بخوری را می‌سوزانیم که خدا ساخته بود و گوسفندی را ذبح می‌کردیم که مخلوقی از آفریدگان او بود! هدایای ما خدا را خشنود نمی‌ساخت زیرا با انجام گناه، قانون او را زیر پا گذاشته بودیم و بوی تعفن گناه، مانع برقراری ارتباط دوباره میان انسان و خدا می‌گردید.

گذشته از این نیز اغلب اوقات، نذورات و هدایایی را به خدا می‌دادیم که کمترین کیفیت را داشتند و توقع داشتیم که خدا هدیه‌ی ما را پذیرفته، به ما نظر کند! غافل از این که هیچ کدام از این اعمال و هدایای نامرغوب، قادر به خشنود نمودن خدا نبوده و نیستند. اعمال نیکو و مذهبی ما نمی‌توانند خسارت وارد شده توسط گناه را جبران کنند، زیرا ناقص هستند. لذا خداوند مهربان به واسطه‌ی محبت عظیم خود بر ما نظر نمود و چون ما را تهی دست و بی‌نوا یافت، هدیه‌ای گران‌بها به ما بخشید تا به وسیله‌ی آن راه بازگشت به سوی خدا، پیش روی ما هموار گردد. او فرزند یگانه‌ی خود را داد تا از طریق عمل او بر روی صلیب، پل فروریخته میان انسان و خدا دوباره احیاء شود.

آری انسان‌ها شایستگی لازم را نداشتند که کفاره‌ی یکدیگر شوند. لکن مسیح چنین توانی را داشت زیرا خدا او را برای این کار برگزیده بود. از آنجا که آدم و حواریشه‌ی بشر هستند، گناه ایشان در تمامی انسان‌هایی که میوه‌ی این درخت هستند نیز راه یافت. از طریق آن ریشه، حیات باید به انسان‌ها منتقل می‌شد ولی با گناه آدم، این حیات با مرگ، همنشین گردید. فقط عملی شایسته، آن هم توسط انسانی شایسته می‌توانست وضعیت را دگرگون سازد. انسانی که شایستگی خود را از هیچ انسانی کسب نکرده بود بلکه تنها توسط ذات اقدس الهی به این برگزیدگی نائل آمده بود. بلی آن شایسته‌ی بی‌همتا، عیسی مسیح، یگانه منجی بشر است. و البته ما نباید چنین تصور کنیم که خدا ما را به سبب گناه آدم و حوا مجازات می‌کند! مطلقاً چنین نیست، زیرا هر کس تنها مسؤول اعمال خویش است.

چنانکه بارها گفته‌ایم آدم و حواریشه‌ی درخت بشریت‌اند و هرگاه ریشه بیمار شد، ناگزیر همه‌ی میوه‌های آن درخت نیز بیمار خواهند بود و آن بیماری را به صورت نهفته در خود خواهند داشت. حال ممکن است در یکی آشکارا و در دیگری پنهان باشد. به هر روی آن بیماری به طرق مختلف، خود را نمایان می‌سازد و همچنین است رابطه‌ی بین انسان و گناه.

انسان‌ها با گزینش‌های نادرستی که در درازای زندگی خود می‌کنند، به اندازه آدم و حوا مقصر هستند و از همین رو باید در مقابل تخت خدا داوری شوند.

عیسی مُرد تا نیش مرگ را از وجود خسته و فرتوت بشر بیرون بکشد. او اجازه داد تا انسان‌ها او را بکشند تا بدین وسیله بتواند وارد آن دایرهٔ بسته‌ای که بشر را به اسارت خود درآورده بود شده و آن را باز کند. او از مرگ زورمندتر است و کلام خدا می‌گوید که پس از سه روز عیسی زنده شد و با برخاستن از مردگان، آن دایرهٔ بسته را گشود و بهاری نو و باطراوت به همراه آورد و طریقی را برای کسانی که خواهان نجات و رهایی می‌باشند فراهم نمود. کلام خدا می‌گوید که مسیح این راه را به قیمت تحمل زجرها و شکنجه‌های بسیاری که دید، مهیا فرمود.

خون او ریخته شد تا گناهان ما پاک شود. او حیات خود را داد تا ما از حیات او برخوردار شویم. گناه بشر دست‌های خدا را در راه برقراری مشارکت با انسان بست. ولی دوهزار سال پیش، این دست‌ها با پرداخت بهایی بس گزاف، از نو باز شد.

دوهزار سال پیش خدا راه نجات را گشود و فرصتی مهیا کرد تا کسانی که می‌خواهند دوباره وارد شاهراه حیات شوند، بتوانند از طریق ایمان آوردن به عیسی مسیح و پیوند خوردن با این ریشهٔ تازه، حیاتی را بدست آورند که آلوده به گناه نیست. زیرا حیات مسیح، پاک است. همهٔ کسانی که تا به کنون به دنیا آمده‌اند مانند آن ماهی بیرون افتاده از آب، اندک زمانی به زندگی توأم با درد و ناراحتی می‌پردازند. اما کسانی که به مسیح و عمل خدا به وسیلهٔ او ایمان می‌آورند به او پیوند خورده به آن دریای لایتناهی حیات ابدی راه می‌یابند. کلام خدا چنین می‌گوید:

«اما او به تمام کسانی که به او ایمان آوردند، این حق را داد تا فرزندان خدا گردند.» بلی فقط کافی بود به او ایمان بیاورند تا نجات یابند. این اشخاص توندی نو یافتند، نه هم چون تولدهای معمولی که نتیجه امیال و خواسته‌های آدمی است، بلکه این تولد را خدا به ایشان عطا فرمود.» (یوحنا ۱: ۱۲-۱۳)

و چون مسیح زنده است ما از طریق پیوند با او صاحب حیات تازه و جاوید شده، نامیرایی و تبدیل را تجربه خواهیم کرد. مسیح گفت: «من قیامت و حیات هستم، هر کس به من ایمان آورد، اگر مرده باشد، زنده گردد.» آری او تنها کسی است که می تواند انسان ها را نسبت به نجات، مطمئن سازد. امروزه خداوند خدا، انسان ها را چنین دعوت می کند: «خدا دوران جهالت را نادیده گرفت، اما اکنون در همه جا بشر را امر به توبه می فرماید.» (انجیل شریف اعمال رسولان ۱۷: ۳۰)

چرا عیسی؟

گروهی از مردم گمان می کنند که ما عیسی مسیح را بزرگ تر از آن چه که هست، جلوه می دهیم. آنها قائل به این هستند که او با سایر پیامبران الهی تفاوتی ندارد و با آنها هم رده و هم رتبه است! در حالی که ما تنها آن چه را که خدا درباره وی گفته است بازگو می کنیم. ما او را بزرگ نمی کنیم بلکه خود او به راستی بزرگ است. در این بخش شما را فرا می خوانیم تا با قلبی صادق به نکاتی که به سؤالات موجود پیرامون عیسی بی نظیر، پاسخ می دهد به دقت تمام توجه نمایید:

- ۱- تولد عیسی بینظیر بود؟
- ۲- نام عیسی، نامی معمولی نیست؟
- ۳- القاب او بی مانند است؟
- ۴- معجزات و تعلیمات عیسی بی مثال است؟
- ۵- بهایی که او برای گناه انسانها پرداخت حیرت آور است؟
- ۶- برخاستن او از مردگان بی نظیر است؟
- ۷- و بالاخره این که پیغام او برای جهان بی همتا است؟

چرا خدا در میان تمام انسان هایی که به دنیا آمده اند تنها در تولد عیسی مسیح متفاوت عمل کرد؟ اگر ما خوب فکر کنیم متوجه خواهیم شد که به دلیل مسؤولیت بزرگی که خدا بر دوش

مسیح نهاده بود او نباید کوچک‌ترین اثری از گناه را در خود می‌داشت و به همین سبب خدای قدوس اجازه داد تا مسیح به گونه‌ای متفاوت پای به جهان بنهد.

زمانی که جبرائیل مریم را ملاقات کرد از طرف خدا برایش دستوری آورد. او به مریم گفت که نام این طفل را عیسی بگذارد. هم چنین زمانی که فرشتگان آسمان پیام تولد عیسی را به شبانان رساندند به آنها گفتند که مسیح خداوند به دنیا آمده است و به همین دلیل است که ما او را به نام عیسی مسیح می‌شناسیم.

نام عیسی در زبان مردمانی که آن زمان بدان صحبت می‌کردند (زبان عبری) به معنای «**نجات‌دهنده**» است و مسیح نیز یعنی برگزیده، پس معنای نام عیسی مسیح که توسط خدا برای او انتخاب شده بود «**نجات‌دهنده برگزیده**» می‌باشد. چرا در بین تمامی پیام‌آوران الهی خدا تنها او را شایسته چنین نامی می‌داند؟ زیرا پیامبران تنها وظیفه راهنمایی مردم را داشتند لکن وظیفه نجات تنها بر دوش عیسی بود.

خدای تعالی ابراهیم را «**دوست خود**» نامید و موسی را «**هم‌صحبت خدا**» لقب داد. سایر پیامبران نیز هر یک به فراخور مأموریت‌شان صاحب القابی از سوی خدا شدند. اما در میان تمامی این لقب‌یافتگان باز هم القاب مسیح است که بی‌مانند می‌باشد. او لقب‌های بسیاری دارد که ما در این مجال اندک تنها به سه مورد از آنها که بیشتر به گوش‌ها آشنا است اشاره می‌کنیم: «**کلمه خدا**»، «**روح خدا**»، «**پسر خدا**».

ما از طریق کلام خود با دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم و خدا نیز به همین وسیله با ما سخن گفت. خدا به طرق مختلف توسط کلامش با مردم رابطه ایجاد می‌نماید. گاهی اجازه می‌دهد تا کلامش مکتوب شود و مردم با خواندن آن اراده او را بشناسند. گاهی اوقات از طریق انجام اعمالی نظیر معجزه با مردم سخن می‌گوید و ... و کتاب مقدس به ما می‌گوید که مسیح کلام مجسم خدا است.

آری، خدا اجازه داد کلامش عینیت بیابد تا از آن طریق بتواند به عنوان یک نمونه کامل و عملی برای انسانها سر مشق واقع شود و امروز خدا از طریق این کلام زنده با یکایک ما سخن می گوید.

به همین دلیل است که برای شناخت خدا باید به **کلمه او** روی آوریم، چون کلام خدا از وجود او صادر می شود و آشکار کننده هویت الهی است.

لقب دیگر عیسی «**روح خدا**» است. خواست ما تفسیر کلام خدا نیست. معنی روح خدا به واضح ترین شکل ممکن در خود عبارت وجود دارد. حتی یک زن و شوهر که نزدیکترین رابطه موجود روی زمین را با یکدیگر دارند، از روح خود به هم نزدیکتر نیستند. هیچ زنی نمی تواند به شوهرش بگوید که تو از روحم به من نزدیکتر هستی و بالعکس. با توجه به چنین لقبی که خدا بر عیسی نهاد می توان به رابطه خدا و مسیح پی برد.

عبارت **پسر خدا** باعث ایجاد سوء تفاهات عدیده ای در میان مردم شده است و دلیلش تنها این است که مردم با دیدگاهی جسمانی و فیزیکی به این مسئله می نگرند. اگر بخواهیم با دید مادی به چنین مسائلی نگاه کنیم مطمئناً برداشت ما کفر مطلق خواهد بود.

مسیحیان هرگز عقیده ندارند که خدا زنی داشته و از آن طریق صاحب پسری شده است؛ بلکه مسیح بدین دلیل **پسر خدا نامیده می شود که خود خداوند مستقیماً در تولدش عمل نموده است و مسیح پدر جسمانی ندارد.** حال اگر ما به واسطه این که یک مرد در تولد ما نقش داشته است او را پدر می نامیم و ما پسر یا دختر او می شویم، پس عیسی مسیح نیز به واسطه آن که خدا خودش مستقیماً در تولد او نقش داشته است می تواند «پسر خدا» خوانده شود.

در کتاب مقدس عبارت پسر خدا به آدم نیز اطلاق می شود که این هم به دلیل دخالت مستقیم خدا در خلقت آدم می باشد و نه چیزی غیر از آن. همواره به خاطر داشته باشیم که نباید مسائل روحانی را با دیدگاهی مادی نگریم زیرا کلام خدا می گوید: «تفکر جسم، دشمنی خدا است.»

پیامبران بسیاری با قدرت الهی اعجاز نمودند اما وقتی در مورد معجزات عیسی مسیح می‌شنویم متوجه می‌شویم که اعمال او دارای کیفیتی بالاتر از سایرین بوده است. کلام او دوی درد دردمندان شد، گام‌های خود را بر دریا نهاد و بر روی آب راه رفت. حدت خشم طوفان‌های سهمگین به امر او به آرامشی رؤیایی تبدیل گشت. دیوها در مقابلش به زانو درافتادند و بالاخره این که دنیای مردگان به دستور او به خود لرزید و با دم مسیحائی‌اش مرده‌ای پس از چهار روز حیات را به خود دید. ما از شما می‌خواهیم تا برای آشنایی بیشتر با قدرت اعجاز عیسی مسیح انجیل را مطالعه کنید.

تعلیمات عیسی فوق‌العاده عجیب است. ویژگی تعالیم عیسی مسیح عدم تعلق آن به زمان و مکان خاص است. به عنوان مثال تعالیم او در مورد مسائل مهمی چون ازدواج تا بخشش و نیز رابطه انسان با خدا و ... حقیقتاً شگفت‌آور است.

در بحث‌های گذشته دیدیم که او چه بهایی برای بخشش گناه انسان پرداخت. ما از شما دعوت می‌کنیم تا به وسیله کلام خدا با عمل بی‌نظیر عیسی مسیح و نقشه خدا برای نجات انسان آشنا شوید. باشد که خداوند با قلب شما سخن گفته، شما را به طریق حیات هدایت نماید. امروز عیسی مسیح قادر است تا بدون هیچ واسطه‌ای نجات را به شما عطا نماید. عیسای زنده، احتیاجی به جانشین ندارد. اراده خدا این است که از طریق مسیح که تنها راه نجات است وارد طریق حیات شوید و بتوانید خدای آسمان و زمین را ملاقات نموده، صدایش را بشنوید.

آیا کتاب مقدس تحریف شده است؟

عده‌ای معتقدند که کتاب مقدس تحریف شده و قابل اطمینان نیست، اما در عین حال دلیل محکمی نیز برای اثبات ادعای خود ندارند. آنها تنها از مسائلی سخن می‌گویند که در فرهنگ و خصوصیات اخلاقی‌شان نیست و یا طوطی‌وار بر نکاتی پا فشاری می‌کنند که از گذشتگان خود آموخته‌اند. نکاتی که فاقد پایه و اساس صحیحی می‌باشند.

دلایل بسیاری وجود دارد که صحت کتاب مقدس را تأیید می‌کند. از نظر علمی و تاریخی ثابت شده است که کتاب مقدس نمی‌تواند تحریف شده باشد ما در اینجا تنها به دو مثال اکتفا می‌کنیم و کسانی که می‌خواهند اطلاعات بیشتری در این رابطه کسب نمایند می‌توانند از طریق نشانی‌ای که در انتهای این کتابچه آمده است این موضوع را پیگیری کنند.

در قرن اول مسیحیت عدد کثیری به مسیح ایمان آوردند و بدین ترتیب هزاران نسخه از انجیل در میان مسیحیان در سراسر جهان پخش شد. اگر کسی می‌خواست انجیل را تحریف کند می‌بایست ابتدا تمامی این هزاران نسخه را پیدا کرده و آنها را تغییر می‌داد که این امر با توجه به شرایط آن زمان محال بوده است. هم چنین به نظر نمی‌رسد که فردی با سفر به سراسر جهان و جمع‌آوری انجیل‌های پخش شده اقدام به آتش زدن آنها نموده و انجیلی جدید مطابق منافع خود نوشته باشد. دلیل دیگر این که چرا کسی قصد انجام چنین کاری، تحریف را داشت؟ مطالبی که در انجیل آمده به نفع افراد شریک تمام نمی‌شود، پس اگر این انجیل تحریف شده عامل آن طالب چه نفعی بوده؟

نسخ خطی قدیمی و تحقیقات باستان‌شناسی نیز نشان می‌دهد که کتاب مقدس اصیل و دست نخورده است. برای کسانی که به خدا ایمان دارند بیان چنین مطلبی کفر است چون وقتی این مطلب را بیان می‌کنند قدرت خدا را در حفاظت از کلام خود زیر سؤال برده و او را به ناتوانی در نگهداری از کلامش متهم می‌کنند!

در مصر باستان به دلیل عقایدشان مبنی بر زندگی دوباره پس از مرگ، فراغنه را به همراه گنجینه‌های ایشان در اهرام دفن می‌نمودند و برای حفاظت از این گنجینه‌ها روش‌هایی را ابداع نمودند که تا امروز نیز برخی از آنها کشف نشده باقی مانده است.

اینک پرسش مهم این است: **اگر انسان فانی و پر از نقص، چنین توانایی و تدبیری را در راستای حفاظت از اموال خود دارد، چگونه خداوندگاری که خالق همین انسان است متهم به ناتوانی در حفظ کلام خود می‌شود؟** خدا برای حفاظت از کلامش، روش‌های ویژه خود را به کار بسته است. پس بر ما است که با دیده احترام به خدای قادر مطلق بنگریم و مطمئن باشیم که او می‌تواند از کلام خود محافظت نماید، زیرا وعده خود اوست که این کلام را حفظ

خواهد کرد. پس کسانی که داعیه پرستش خدا را دارند و در عین حال دم از تحریف کتاب مقدس می‌زنند باید بدانند نزدیک است روزی که باید در حضور خدا و در مقابل تخت داوری او بایستند و دلایل و اسناد مدعای خود را بازگو نمایند.

حال چه باید کرد؟

پیش از پاسخ دادن به این سؤال باید به دو نکته مهم اشاره کرد. معنی کتاب مقدسی «گناه» و «توبه» چیست؟

گناه از نظر کتاب مقدس یعنی نزدن به هدف! خدا برای انسان نقشه‌ای دارد و تنها از طریق عیسی مسیح است که می‌توان وارد این نقشه شد. اگر کسی خارج از این نقشه زندگی کند، هر چقدر هم که تلاش نماید باز هم از دیدگاه خدا به هدف نرود. به عنوان مثال، تیراندازی را در نظر بگیرید که به سیل مقابل خود شلیک می‌نماید اما تیرهایش به اطراف سیل اصابت می‌کند نه به خود سیل. شاید او تمامی سعی خود را به کار بسته است. اما چون به هدف نرود است امتیازی نیز به دست نمی‌آورد. **معنی دیگر گناه در کتاب مقدس**، زندگی در بی‌نظمی است. خداوند جهان را مطابق نظمی ویژه آفرید و اگر کسی خارج از این نظم رفتار نماید در واقع مرتکب گناه شده است.

به عنوان مثال خدا در نظام خود جایگاهی برای خانواده تبیین نموده تا زن و مرد در چهار چوب آن بتوانند نیازهای خود را برطرف نمایند. حال آن که همان مشکل بنیادین، انسان را به سمت انحرافات چون همجنس‌بازی سوق داد. عملی که خلاف نظم آفرینش و به تبع آن، گناه می‌باشد.

امروزه بسیاری از مردم می‌گویند که ما دزدی نمی‌کنیم، دروغ نمی‌گوییم، کسی را اذیت نمی‌کنیم و ... و به همین خاطر نیازی به توبه نداریم. اما نمی‌دانند که اگر این اعمال را در مسیر صحیح انجام ندهند، هنوز هم به هدف نرود و باز هم مرتکب گناه شده‌اند.

ما نمی‌گوییم که این کارها را نباید انجام داد، زیرا کمترین فایده این کار برای انسان این است که از فعالیت گناه که مانند ویروسی در آدمی قرار گرفته است، جلوگیری نماید، اما برای نجات یافتن فقط باید به راهی برویم که خدا در آن به واسطه عیسی مسیح با جهان آشتی کرد. در کتاب مقدس توبه به معنای بازگشت می‌باشد؛ بازگشت از تمام راه‌های خارج از اراده خدا و ورود به راه نجات که از طریق صلیب مسیح برای ما مهیا شده است.

کتاب مقدس می‌گوید: «خدا در مسیح بود و دنیا را با خود آشتی داد.» و به همین دلیل است که مسیح می‌گوید هیچ کس نمی‌تواند بدون من به حضور خدا راه یابد. پس وظیفه ما این است که در پیشگاه خداوند از گناهان خود ابراز پشیمانی کرده، راه‌های خود را اصلاح کنیم تا بتوانیم به جاده تنگ و باریک نجات گام نهیم. اگر ضعیف و ناتوانیم، یا در گناه غرق شده‌ایم و اگر احساس می‌کنیم که تمامی درها به روی ما بسته شده‌اند و دیگر امیدی نیست، خدا از ما می‌خواهد، تنها به عیسی نگاه کنیم و به او ایمان آوریم؛ زیرا او می‌گوید: «بیاید نزد من ای تمامی زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهیم بخشید.» (متی ۲۸: ۱۱)

گناه باعث شد تا اضطراب، غم، درد، کودکان معلول و ... وارد زندگی بشر شوند لیکن خواست خدا این است تا همه امور را به شکل بی نقص و عالی نخستین خود باز گرداند. به همین دلیل، او مسیح را به میان ما فرستاد تا کسانی که به او ایمان می‌آورند را وارث خلقت جدید گرداند. کلام خدا به ما می‌گوید که فرصت بسیار کم است. همه حوادثی که در دنیا روی می‌دهند مثل جنگ‌ها، زلزله‌ها، طوفان‌ها، امراض و حتی مسائل سیاسی، همه و همه هزاران سال پیش در کتاب مقدس پیشگویی شده‌اند و مسیح نیز به ما می‌گوید که وقتی این نشانه‌ها را دیدید بدانید که بازگشت من نزدیک است.

او یک بار آمد تا نجات را به انسان‌ها هدیه کند و پیش از رفتن به آسمان گفت که باز می‌گردد و کسانی را که به او ایمان می‌آورند به پیش خود برده، شریکان را از روی زمین محو خواهد ساخت. وقتی انسان‌ها نمی‌خواهند تا با خدای خود آشتی کنند و وارد طریق نجات او شوند به افرادی بیهوده تبدیل می‌شوند که هیچ نفعی برای خدا ندارند. بسیاری امروز از خود می‌پرسند که چرا به دنیا آمده‌اند؟ و چرا می‌میرند؟ و ده‌ها چرای دیگر.

انسان چون از مسیری که خدا برایش ایجاد نموده بود خارج شد، به همین دلیل هدف را گم کرد و تنها زمانی می‌تواند آن سعادت از دست رفته را پیدا کند که از نو در مسیر آن هدف قرار گیرد و هدف خدا این است که از طریق عیسی مسیح با ما مشارکت نماید و ما فرزندان او شویم تا زندگی ما هدف و مفهوم خود را بیابد، در آن صورت است که دیگر احساس تهی بودن نخواهیم داشت بلکه خدا ما را از روح خود پر خواهد ساخت. کتاب مقدس می‌گوید: «... توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطا ی روح القدس را خواهید یافت.» (اعمال رسولان ۲: ۳۸)

آری یک انسان بی‌گناه به خاطر گناهان من و شما کشته شد. کسانی که خدا قلب‌شان را لمس نموده می‌توانند زندگی خود را با دعایی کوتاه به مسیح بسپارند تا خدا از همین لحظه به زندگی ایشان پای گذارد. خون ریخته شده مسیح در صلیب، دیوار جدایی که توسط گناه ایجاد شده بود را از میان برداشت و برای کسانی که به مسیح ایمان می‌آورند راهی نو گشود. هیچ انسانی نمی‌تواند در مقابل این بخشش بزرگ بی‌تفاوت باشد.

آری ایمان داشته باشید که خدا زنده است، زیرا کسی که چشم را آفرید، می‌بیند و کسی که گوش را آفرید، می‌شنود و نیز سخن می‌گوید زیرا که دهان نیز خلقت خود او است. پس شما نیز با این دعا همراه شوید:

ای خداوند می‌خواهم که تو زندگی‌ام را تبدیل نمایی. من امروز متوجه شدم که تو چه بهایی را برای گناهان من پرداخته‌ای. می‌خواهم راه‌هایم را اصلاح نمایی. از تو می‌خواهم تا انگیزه‌ها و فکرها را به شکلی که منطبق با نظر توست تبدیل نموده، مرا تقدیس و از روح خود پُر کنی و من نیز هدیه بی‌نظیر تو یعنی عیسی مسیح را برای نجات خود می‌پذیرم. خداوندا در حضور تو به گناهان پیدا و پنهان خود اعتراف می‌نمایم و نیز اقرار می‌کنم که نجات من تنها در جاده‌ای که تو به وسیله عیسی مسیح برایم مهیا نمودی، میسر است و غیر از عیسی مسیح، نجات دهنده‌ای نیست. خداوندا امروز خودم و زندگی‌ام و هر آن چه را که دارم به تو تقدیم می‌نمایم تا از آنها برای انجام اراده‌ات استفاده نمایی. خداوندا عنان زندگی‌ام را به دست گیر

و از من انسانی نو و خلقتی تازه بساز تا تنها برای تو و به شباهت تو زندگی کنم نه برای خودم
و امیال انسانی خویش. به نام عیسی مسیح. آمین.

«و خون پسر او عیسی مسیح ما را از هر گناه پاک می سازد. اگر گوییم که گناه نداریم خود را
گمراه می کنیم و راستی در ما نیست. اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است
تا گناهان ما را بیاورد و ما را از هر ناراستی پاک سازد.» (اول یوحنا ۱: ۷-۹)

آمین

پایان

زیرا که برای ما ولدی زاییده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود
و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر، سرمدی و سرور، سلامتی خوانده خواهد شد.
(اشعیا ۹: ۶)

هدیه‌ای بی نظیر

نوشته: بهروز صادق خانجانی



هدیه‌ای بی نظیر

نوشته: کشیش بهروز صادق خانجانی

چنانچه پرسش، درخواست دعا، مشاوره مسیحی، پیشنهاد و یا انتقادی دارید لطفا با آدرس ایمیل
های زیر در تماس باشید

info@kelisa.org

info@emrouz.org

همچنین میتوانید از طریق کانال تلگرامی امروز به سایر منابع کتاب مقدسی کلیسای ایران
دسترسی داشته باشید.

t.me/em_rouz

برای ارتباط با ادمین‌های کانال امروز لطفا از طریق ربات تلگرامی زیر، مطالب خود را ارسال
فرمایید.

[T.me/Em_rouzbot](https://t.me/Em_rouzbot)

طبق قانون رعایت حقوق مولفین و مصنفین (کپی‌رایت)، حق چاپ و نشر این کتاب، انحصاراً متعلق به «انتشارات کلیسای ایران» و اجازهٔ پخش آثار، با مسئولیت محدود در اختیار مینیستری کانال تلگرامی امروز (t.me/em_rouz) است. هرگونه تکثیر، پخش و بهره‌برداری مادی یا معنوی از این اثر، بدون مجوز ناشر و مولف کتاب، مشمول پیگرد قضایی خواهد بود.

این کتابچه مختص مسیحیان است